

بازداشت سارق پابند الکترونیکی در کانال کولر

دو سارق حرفه‌ای در حالی که پابند الکترونیکی داشتند وارد ساختمانی لوکس در شمال تهران شدند که مأموران یکی از آنها را داخل کانال کولر و دیگری را هنگام فرار دستگیر کردند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ محمد افشار سر کلانتر دوم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: سحرگاه دو شب قبل مأموران کلانتری ۱۴۲ کن در جریان طرح پایش الکترونیکی مجرمان سابقه‌دار متوجه الارم پابند دو نفر از مجرمان و در محل حاضر شدند. همزمان با حضور پلیس مأموران متوجه شدند دو سارق در حال ورود به یکی از ساختمان‌های لوکس منطقه هستند که برای دستگیری آنها وارد عمل شدند. دو متهم نیز که از حضور پلیس با خبر و پیاده متواری شده‌بودند، پس از طی مسافتی وارد یک ساختمان شدند که درب ورودی آن باز بود و به سمت پشت‌بام گریختند. پس از آن بود که مأموران یکی از متهمان را دستگیر و در بازررسی‌های بعدی دومین متهم را که داخل کانال کولر مخفی شده‌بود، دستگیر کردند. تحقیقات از دو متهم در حالی که باپبند الکترونیکی به پا دارند، جریان دارد.

کلاهبرداران رسیدساز جعلی دستگیر شدند

سه مرد فریبکار که به شیوه رسیدساز جعلی، اموال شهروندان را سرقت می‌کردند در شهرقدس بازداشت شدند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ علی خدابخشی، رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران گفت: چند روز قبل شکایت‌های مشابهی درباره کلاهبرداری به شیوه رسیدساز جعلی به پلیس گزارش شد. یکی از شاکیان در توضیح شکایت خود گفت: برای فروش لپ‌تاپ در سایت دیوار آگهی دادم. چند نفر برای خرید تماس گرفتند. در این میان یکی از خریداران اصرار به خرید داشت. او چند بار تماس گرفت و بعد از توافق بر سر قیمت با هم قرار گذاشتیم. وقتی سر قرار حاضر شد لپ‌تاپ را بررسی کرد و بعد گفت که پول را با اپلیکیشن بانکی‌اش جابه‌جایی کند که قبول کردم. او شروع به کار با گوشی تلفن همراهش کرد و شماره کارت‌م را گرفت و بعد رسیدی به من نشان داد و گفت که پول را واریز کرده‌است. وقتی پیامک‌هایم را بررسی کردم، دیدم هیچ پولی واریز نشده‌است. آن مرد گفت حتماً به دلیل اختلال بانکی است که اعتماد کردم و لپ‌تاپ را به او دادم. وقتی به باجه عابر بانک رفتم و موجودی حسابم را بررسی کردم، دیدم هیچ پولی واریز نشده که متوجه شدم آن فرد کلاهبردار بوده‌است.

مشخصاتی که شاکی از این متهم در اختیار پلیس گذاشت با مشخصاتی که شاکیان دیگر به پلیس گزارش داده بودند، تفاوت داشت. مأموران در بررسی‌های بعدی اطمینان پیدا کردند متهمان سه نفر هستند که به یک شیوه از شهروندان کلاهبرداری می‌کنند که مخفیگاه آنها را شناسایی و متهمان را در یک عملیات ضربتی بازداشت کردند. متهمان در بازجویی‌ها به جرائم خود اعتراف کردند.

قتل همسر با دسته بیل

مرد سالخورده که متهم است همسرش را با ضربه بیل به قتل رسانده، بازداشت شد.

سرهنگ علی اسدالاهی، فرمانده انتظامی الیگودرز گفت: مأموران پلیس بعد از دریافت گزارش قتل در یکی از روستاهای اطراف شهر چمن سلطان در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد پیرمردی با ضربه بیل، همسر ۷۲ ساله‌اش را به قتل رسانده‌است که بازداشت شد. متهم گفت به خاطر اختلافی که با همسرش داشته کنترلیش را از دست داده و حادثه را رقم زده‌است.

غلامرضا مسکنی

ساخت مدرسه‌ای در روستایی کوچک، جان یک قاتل را نجات داد؛ قاتلی که سال‌ها پیش زن سالخورده‌ای را به قتل رسانده بود، با گذشت خانواده مقتول، حالا فرصت زندگی دوباره پیدا کرده‌است.

روز ۱۳ بهمن ۱۳۹۳ ساکنان کوچه‌ای در اطراف تهران با صدای فریاد های «مادرم را کشتند» از خانه‌هایشان سراسیمه بیرون آمدند. صدا از خانه وبلائی زن سالخورده تنهایی به گوش می‌رسید و با اعلام این خبر تیمی از مأموران پلیس هم راهی محل شدند.

پیکر بی‌زن نشان از ضربه‌ای مرگبار به ناحیه سر داشت. آثار پهریختگی خانه و گاو صندوق خالی‌شده در اتاق خواب، ماجرا را از سرتی ساده به یک قتل همراه با دستبرد از پیش طراحی‌شده تبدیل کرد.

بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که قاتل یا قاتلان، نه تنها طلا و جواهرات پیرزن، بلکه ۱۰ عدد سکه تمام بهار آزادی را نیز از گاو صندوق برده‌اند. نحوه ورود به خانه، مقاومت مقتول، دسترسی مستقیم به گاو صندوق و سرنگ‌های موجود، پلیس را به این نتیجه رساند که جنایت نمی‌تواند کار غریبه‌ها باشد، مظنون در دایره نزدیکان خانواده قرار داشت.

دختر مقتول که حادثه را به پلیس خبر داده بود، گفت: «مادر ۸۰ ساله‌ام پس از مرگ پدرم در این خانه تنها زندگی می‌کرد. خانه‌ام در همین نزدیکی است و هر روز به مادر سالخورده‌ام سر می‌زنم. ساعتی قبل به خانه‌اش آمدم و با کلید پدکی که داشتم، وارد و با صحنه دلخراشی روبه‌رو شدم. مادرم خونین و میان سالن پذیرایی بی‌جان روی زمین افتاده و اطرافش به شدت به هم ریخته بود.»

یک تماس

همزمان با ادامه تحقیقات، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران با سرنگ‌هایی که به دست آوردند، به بررسی رفت‌وآمدها، آشنایان و فرزندان مقتول پرداختند، اما هیچ‌یک از اعضای خانواده به کسی سوءظن نداشتند. در حالی که تیم جنایی در بن‌بست به‌نظر می‌رسید یک تماس ناشناس، همه‌چیز را تغییر داد. مردی با اداره پلیس تماس گرفت و اعلام کرد در میهمانی یکی از دوستانش به نام فرمان‌خاطر‌مای از قتل مادر بزرگش تعریف کرد. آنطور که مرد تماس گیرنده گفت فرمان برای دوستانش تعریف کردیمو همراه پسر جوانی به نام سروش، مادر بزرگش را برای سرقت به قتل رسانده‌است.

نقشه سرقتی که به قتل تبدیل شد

با ردیابی هویت تماس گیرنده، پلیس موفق به پدکی که داشتم، وارد و با صحنه دلخراشی روبه‌رو شدم. میان سالن پذیرایی و بی‌جان روی زمین افتاده و اطرافش به شدت به هم ریخته بود.»



یک تماس

همزمان با ادامه تحقیقات، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران با سرنگ‌هایی که به دست آوردند، به بررسی رفت‌وآمدها، آشنایان و فرزندان مقتول پرداختند، اما هیچ‌یک از اعضای خانواده به کسی سوءظن نداشتند. در حالی که تیم جنایی در بن‌بست به‌نظر می‌رسید یک تماس ناشناس، همه‌چیز را تغییر داد. مردی با اداره پلیس تماس گرفت و اعلام کرد در میهمانی یکی از دوستانش به نام فرمان‌خاطر‌مای از قتل مادر بزرگش تعریف کرد. آنطور که مرد تماس گیرنده گفت فرمان برای دوستانش تعریف کردیمو همراه پسر جوانی به نام سروش، مادر بزرگش را برای سرقت به قتل رسانده‌است.

نقشه سرقتی که به قتل تبدیل شد

با ردیابی هویت تماس گیرنده، پلیس موفق به پدکی که داشتم، وارد و با صحنه دلخراشی روبه‌رو شدم. میان سالن پذیرایی و بی‌جان روی زمین افتاده و اطرافش به شدت به هم ریخته بود.»

جنایت خانوادگی بر سر یک آپارتمان

چون او هم‌نظر نمی‌بود و فکر می‌کرد برادر کوچکش خانه را می‌فروشد و صرف مواد می‌کند. ما همه نگران او بودیم، وگرنه کسی نمی‌خواست حشش را بخورد. این موضوع به گوش پسر کوچک‌ترم رسید و ظاهراً باعث شد آتش کینه در دلش شعله‌ور شود. البته چند بار تلفنی برادرش را تهدید کرده بود که حشش را می‌گیرد، اما ما جدی نگرفتیم.»

گروگانگیری

پدر مقتول در پایان گفت: «ساعتی قبل پسر کوچکم جلوی در خانه آمد و شروع به داد و فریاد کرد که در راه رویش باز کنیم، اما ما در را باز نکردیم. ناگهان متوجه شدیم او نوهام (پسر دخترم) را گروگان گرفته‌است. نوهام وقتی از بیرون آمد جلوی ساختمان با پسر کوچکم رویه‌رو شد که برای نجات جان او مجبور شدیم در را باز کنیم. پسرم به محض ورود، اسلحه را روی سر نوهام گذاشت و بعد وارد ساختمان شد. هرگز تصور نمی‌کردم او بخواهد برادر بزرگ‌ترش را با شلیک گلوله به قتل برساند، وگرنه اجازه نمی‌دادم پسر بزرگم وارد ماجرا شود. او می‌خواست برادر کوچکش را آرام کند که سه تیر به سمتش شلیک شد که دو گلوله به پسر بزرگم اصابت کرد و یکی هم به دیوار. پس از آن پسر کوچکم از محل گریخت. همه‌هاج و واج مانده بودیم و پسرم خونین نقش بر زمین شد و مقابل چشمانم فوت کرد.»

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، جسد برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل شد. مأموران پلیس به دستور بازپرس جنایی تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری قاتل مسلح آغاز کردند.

مرد چاقو به دست پس از زخمی کردن دادستان رفسنجان در خانه‌اش از محل متواری شد.
ابراهیم حمیدی، رئیس کل دادگستری استان کرمان گفت: ساعت ۲۲:۴۵ شامگاه نهم مرد ماه‌فرد چاقو به دست وارد خانه علیرضا محمدی دادستان رفسنجان شد

و با چاقو ضرباتی به ناحیه گردن و کتف او وارد کرد و از محل متواری شد. همزمان با انتقال مجروح حادثه به بیمارستان وی تحت عمل جراحی قرار گرفت که وضعیت جسمانی رضایت‌بخش گزارش شده‌است. تحقیقات برای بازداشت ضارب جریان دارد.

مدرسه‌ای که جان یک قاتل رانجات داد

پذیرفت و انگیزه‌اش را به‌دست آوردن طلاها و پول‌های پیر زن اعلام کرد.

دادگاه، مجازات و عبور از چوبه‌دار

دو متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه قتل راهی زندان شدند و مدتی بعد در دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه حاضر شدند. سروش به‌عنوان عامل اصلی قتل به قصاص نفس و فرمان به جرم معاونت در قتل به ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم شد.

دو متهم از همان ابتدای ورود به زندان اظهار پشیمانی و اعلام کردند چنانچه از زندان رهایی یابند تصمیم دارند گذشته خود را جبران کنند. فرمان پس از ۱۰ سال تحمل کیفر، مشمول عفو آزاد شد، اما سایه چوبه دار همچنان بر سر دوستش سنگینی می‌کرد، چون دختران و پسران مقتول اصرار به قصاص قاتل داشتند.

بخشش در سایه مدرسه‌ای به نام مادر بزرگ

بدین ترتیب نوه مقتول پس از آزادی از زندان، تلاش زیادی برای رهایی دوستش از چوبه دار کرد. وی همراه تیم صلح و سازش و خیرین جلسات متعددی را با اولیای دم برای جلب رضایت برگزار کرد. مدتی قبل قاتل برای اولین‌بار برای اجرای حکم پای چوبه دار رفت و فرمان به عمه‌ها و عموهایش اصرار کرد متهم را ببخشند و اصرار او باعث شد حکم آن روز اجرا نشود و متهم به سولش باز گردد. در ادامه تلاش‌ها برای جلب رضایت ادامه داشت تا اینکه فرمان زمینی در روستای مادر بزرگش خرید و مدرسه‌ای برای آموزش کودکان روستایی و یادبودی برای مادر بزرگش ساخت. اولیای دم وقتی از این کار خبر خواوانه فرمان مطلع شدند از قصاص گذشت کردند و به سروش زندگی دوباره بخشیدند. بدین ترتیب با اقدام خداپسندانه اولیای دم، قاتل پس از ۱۱ سال از زندان آزاد شد و به آغوش خانواده‌اش بازگشت.

یادداشت



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

تهدید خاموش زلزله فرصتی برای تاب‌آوری

در سرزمینی چون ایران که گسل‌های فعال آن چون رگ‌های پنهان در بستر زمین گسترده‌اند، زلزله تنها یک حادثه طبیعی نیست؛ تهدیدی مداوم است که گاه به ناگاه از دل زمین فوران می‌کند و جامعه‌ای را به زانو در می‌آورد. در مواجهه با این واقعیت، باید میان «شناخت خطر» و «زیستن با خطر» تفاوت قائل شد؛ یکی در قلمرو علوم پایه مانند زلزله‌شناسی و زمین‌شناسی جای می‌گیرد و دیگری در حوزه مهندسی و سیاست‌گذاری.

علم زلزله‌شناسی تلاش می‌کند الگوهای رفتاری زمین را بشناسد؛ از موقعیت و فعالیت گسل‌ها تا برآورد دوره بازگشت زمین‌لرزه‌ها. ایران در این حوزه، به‌شنوان مراکز پژوهشی و دانشمندان برجسته، جایگاهی بین‌المللی دارد، اما شناخت صرف بدون کاربرد، تنها هشدار است. اینجاست که مهندسی زلزله وارد میدان می‌شود؛ دانشی برای ساختن بناها، شریان‌های حیاتی و زیرساخت‌هایی که تاب لرزش زمین را داشته باشند. واقعیت تلخ آن است که هر چند ایران در مهندسی زلزله جایگاهی بین رده‌های سوم تا پنجم تولید علم جهانی را دارد، اما در اجرای اصول آن دچار ضعف‌هایی ساختاری است. آیین‌نامه‌ها و استانداردها موجودند، اما نظام نظارت، آموزش عمومی، اراده مدیریتی و مشارکت مردمی با آن هم‌راستا نیستند. این فاصله، گسل واقعی ماست؛ گسلی میان دانش و اجرا، آگاهی و اقدام.

زلزله، به‌خلاف برخی تصورات عمومی، پدیده‌ای قابل‌پیش‌بینی دقیق نیست. تنها می‌توان با تحلیل آماری داده‌های تاریخی و لرزه‌نگاری، احتمال و شدت آن را برآورد کرد. مهم‌تر از پیش‌بینی، آماده‌سازی است؛ مقاومت‌سازی ساختمان‌ها، آموزش مستمر مردم و ایجاد زیرساخت‌هایی که در لحظه بحران و پس از آن، خدمات امدادی و حیاتی را ممکن کنند. مفهوم «جامعه تاب‌آور» دقیقاً در همین نقطه معنا می‌یابد؛ جامعه‌ای که حتی پس از زلزله، حیات عادی خود را باز می‌یابد.

تجربه‌های ملی و بین‌المللی راه را نشان داده‌اند. از پروژه‌های مقاومت‌سازی در دهه ۸۰ شمسی که به‌رغم آغاز زلزله‌رقت‌ر، با تغییر مدیریت‌ها و محدودیت‌های بودجه‌ای متوقف شدند، تا مدل‌های موفق‌تری مانند ژاپن و نیوزیلند که با آموزش همگانی، مقاومت‌سازی تدریجی و مدیریت علمی بحران توانسته‌اند تلفات زلزله را به حداقل برسانند.

نمی‌توان از زلزله جلوگیری کرد، اما می‌توان از فاجعه انسانی و اقتصادی حاصل از آن پیشگیری کرد. امروز، نه کمبود دانش مانع ماست، نه نبود راهکار. آنچه ما را تهدید می‌کند، سستی در اجراست. زمان آن رسیده‌است که دانش موجود در آیین‌نامه‌ها، اتاق‌های پژوهش و کنفرانس‌های علمی، به مصالح مقاوم در دل خانه‌های مردم بدل شود. مقاومت‌سازی، آموزش، نظارت و برنامه‌ریزی درازمدت نه انتخاب، بلکه ضرورت‌ند. فردای پس از زلزله را از امروز باید ساخت.

فرار ضارب

پس از حمله به دادستان رفسنجان



سرق‌ت از بدرقه‌کنندگان اموات در بهشت‌زهر ا

بررسی‌ها مأموران با پرسه در اطراف محل خاکسپاری اطراف موفق به شناسایی متهم شدند. متهم نیز که از حضور پلیس باخبر شده‌بود، پای پیاده از محل فرار کرد که مأموران با شلیک هوایی متهم را دستگیر و در بازرسی او وی سه دستگاه تلفن همراه سرقتی کشف کردند. متهم پس از انتقال به کلانتری به سرق‌ت‌های سرپالی به این شیوه اعتراف کرد.

۲۰۵ صحن مطهر گزارش شد. بررسی شکایت‌های مطرح‌شده نشان داد سارق با خانواده‌های بدرقه‌کنندگان اموات همراه شده و در فرصت مناسب گوشی تلفن همراه آنها را سرقت می‌کند. تحقیقات بعدی پلیس نشان داد سارق مردی جوان است که لباس کارگران خدمات به تن دارد و در حضور در مراسم خاکسپاری و در فرصت مناسب اقدام به سرقت گوشی می‌کند. بعد از کامل شدن

سارق حرفه‌ای که با پوشیدن لباس کارگران خدمات و پرسه در بهشت‌زهر ا گوشی تلفن همراه بدرقه‌کنندگان اموات را سرقت می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ سید امین موسوی، سرکلانتر دهم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: چند روز قبل شکایت‌های مشابه درباره سرقت گوشی تلفن همراه بدرقه‌کنندگان اموات در بهشت زهرا به مأموران کلانتری

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه دو

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۵۲۱/۵۷۰۰۳۳۱۰۴۶۳۰۱۴۰۶ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم محمود علی هاشملو فرزند کمند علی به شماره شناسنامه ۲۵ صادره از آوج در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۸۹/۹۱ متر مربع از پلاک ۵۸۲ فرعی از ۳۶۱ اصلی واقع در کرج محمد شهر ولد آباد بزرگ خیابان ۲۲ بهمن خیابان شهید اهوئی پلاک ۱۸ خریداری از مالک رسمی آقای / خانم علی اصغر بیجانی مجرز گر دیده‌ است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱
عباس صوری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج
شماره آگهی: ۱۹۶۲۴۴۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱
مهران رشیدی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج
شماره آگهی: ۱۹۶۲۴۵۲